

## به جای تشویق، همین حالا باید اسرائیل را تنبیه کرد!

میشل وارشاوسکی

برگردان: محمد علی اصفهانی

[www.ghoghnoos.org](http://www.ghoghnoos.org)

به خاطر قدردانی از جنایات روزمره ی دولت اسرائیل، «اتحادیه ی اروپا»، از تصمیم خود به تقویت روابط با این دولت، سخن رانده است. و میشل وارشاوسکی \* به عنوان بخشی از وجدان جهان معاصر، و به عنوان یکی از برجسته ترین چهره های انسانگرای اسرائیلی، این را برنرفته است، و در یادداشتی به تاریخ دوّم دسامبر، از مردم اروپا خواسته است که همزمان، هم به مقابله با این اقدام شرم آور برخیزند، و هم در جهت تحقق تحریم و تنبیه همه جانبه ی دولت اسرائیل، فعال شوند.

ترجمه ی یادداشت میشل وارشاوسکی را در اینجا می خوانید.

«غزه می سوزد». این را بانوی مبارز فرانسوی، لی لیان کردوا، با استفاده از عنوان و بسیاری کلمات ترانه پی معروف نوشته است که ویران شدن شهرکی یهودی به وسیله ی نازی ها را حکایت می کند.

غزه می سوزد؛ و جهان خفه خون گرفته است و منتظر به ثمر رسیدن پروسه ی صلح است. پروسه پی که اصلاً وجود خارجی ندارد.

«یک موجودیت متخاصم». این است نگاه رسمی و علناً اعلام شده ی رهبران اسرائیل به سرزمینی که در آن یک و نیم میلیون انسان، از زن و مرد و پیر و جوان و کودک، تمام تلاششان بر این است که فقط بتوانند زنده بمانند.

و با چنین نگاهی است که دولت اسرائیل، خودش رامجاز، و حتی موظف به جنگی می بیند برای منهدم و نیست و نابود کردن این مردمان.

چندین سال پیش، تانیا رن هارت، که اینک جهان را وداع گفته است، برای بیان سرکوب مردم فلسطین به وسیله ی اسرائیل در سرزمین های اشغالی، کلمه ی «زنوسید» را به کار برد. در آن زمان، من در زمره ی کسانی بودم که معتقد بودند که تانیا نباید برای بیان این سرکوب، از کلمه ی «زنوسید» استفاده کند. ولی امروز خطاب به او می گویم:

- تانیا! از همان جایی که حالا در آن هستی، مرا ببخش. حق با تو بود. تو طبیعت واقعی طرح های اسرائیل را می دیدی و می فهمیدی. و این، من بودم که اشتباه می کردم.

دولت اسرائیل، به گونه بی لجام گسیخته و بی امان، به نسل کشی فلسطینیان در غزه مشغول است. با استفاده از سلاح گرسنگی دادن. با قطع جریان الکتریسیته. با محروم کردن مردمان از آب آشامیدنی. با دامن زدن به بیماری های مسری در میان آن ها، و در همان حال، محروم کردنشان از حق تأمین ابتدایی ترین نیازمندی های پزشکی.

غزه، در محاصره است؛ و جنایتکار جنگی، اهود باراک، همین اندک زمانی پیش، دستور داده است که حتی نیمی از کمک های انسانی سازمان ملل به مردم غزه را هم توقیف کنند.

وقتی که «سارایوو» در محاصره ی جنایتکاران ارتش صرب، و شبه نظامیان بود، جامعه ی بین المللی، عکس العملی سخت از خود نشان داد. رژیم صربستان، بایکوت شد؛ و بلگراد هم بمباران.

وقتی که عراق، کویت را اشغال کرد، جامعه ی بین المللی، به عملیات نظامی دست زد؛ و به تحریم سنگین مردم عراق، تحریمی که باعث مرگ هزاران کودک بی گناه شد. امروز اما، همان جامعه ی بین المللی، در برابر کشتار شنیع و فجیع مردم غزه، مطلقاً ساکت است.

وظیفه ی ما، و جوامع انسانی سراسر جهان است که از نهاد های بین المللی، و از دولت ها بخواهیم که اقدامی قوی، کارآمد، و سریع، علیه اسرائیل انجام دهند. علیه دولتی که به ساده ترین و پیش پا افتاده ترین قوانین بین المللی تجاوز می کند. همچنان که به صد ها قطعنامه و مصوبه ی سازمان ملل. و همچنان که به تک تک کنوانسیون های حقوق بشر. جنایات جنگی اسرائیل علیه مردمان غزه، از مجموعه ی دغدغه های ذهن جامعه ی جهانی، کنار گذاشته شده است.

مثل آفریقای جنوبی عصر آپارتاید، اسرائیل باید مجازات و تنبیه شود. نه این که اروپا با تقویت روابط خود با او، او را مورد تشویق هم قرار دهد. من، به عنوان یک شهروند اسرائیل، از اتحادیه ی اروپا انتظار دارم که به ما کمک کند که بر دولت خود، فشار آوریم و وادارش سازیم که جنایاتش علیه فلسطینیان در غزه را متوقف کند.

اتحادیه ی اروپا با تصمیم به تقویت روابط خود با اسرائیل، به اسرائیل جایزه می دهد، و برای او پیام تشویق آمیز می فرستد.

و این پیام، ننگین است.

همه ی آن مردم اروپایی پی که به کرامت انسان می اندیشند باید در این زمینه به مقابله با دولت های خود به پا خیزند.

### توضیحات:

عنوان اصلی و لینک مقاله:

Sanctions Now - Upgrading, Hell No

[www.alternativenews.org/blogs/michael-warschawski](http://www.alternativenews.org/blogs/michael-warschawski)

\* شخصیت سرشناس فرانسوی - اسرائیلی، Michel Warschawski - که فرزند ماکس، حاخام بزرگ است - در شانزده سالگی، از فرانسه برای تحصیل علوم دینی یهود به اورشلیم رفت؛ و در آنجا، به زودی به صفوف مبارزه با ایده ی صهیونیسم پیوست. در سال ۱۹۸۴ AIC (مرکز اطلاعات آلترناتیو) را در اسرائیل بنا نهاد که چند حرکت صلح طلب اسرائیلی و چند سازمان فلسطینی را در بر می گیرد. حکومت اسرائیل، پنج سال بعد، او را به دلیل کمک به جبهه ی مردمی آزادی فلسطین (به رهبری جرج حبش) به بیست ماه زندان محکوم کرد. او در فاصله ی سال های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۵ همراه با دومینیک ویدال از لوموند دیپلماتیک، و لیلا شهید - نماینده ی فلسطین در اتحادیه ی اروپا - مجموعه کنفرانس هایی در شهر های مختلف فرانسه برگزار کرد که به خصوص با هیاهوی روزنامه ی دست راستی فیگارو و سازمان موسوم به «فرانسه - اسرائیل» روبرو شد، و کار به آنجا رسید که او را از سخنرانی در محافل دانشگاهی فرانسه محروم کردند.

Michel Warschawski از تئ تأسیس یک کشور و دولت واحد دو ملیتی متشکل از اعراب و یهودیان، در منطقه ی فلسطین بزرگ، دفاع می کند.

\*\* نه برای کسانی که به خاطر بوسه زدن بر آستان اسرائیل، و توجیه سجده بر خاک پای او می کوشند تا وانمود کنند که همه ی این ها زیر سر حماس است، و حماس نیز فرزند «پدر خوانده ی تروریسم جهانی» است، و الی آخر... بلکه برای کسانی که در پی شناخت بهتری از واقعیت آنچه امروز در فلسطین می گذرد هستند، مراجعه به چند مقاله ی زیر به ترجمه ی همین قلم، احتمالاً خالی از فایده نیست:

در فلسطین، چه کسی علیه چه کسی کودتا کرد؟ - میشل وارشائوسکی

<http://www.ghoghnoos.org/khabar/khabar03/warschawski-l.html>

صبح به خیر، حماس! - یوری آونری

<http://www.ghoghnoos.org/khabar/khabar06/avnery-morning.html>

اگر گفتید چه کسانی، و چرا لبنان را به آشوب می کشند؟ - محمد حسنین هیکل

<http://www.ghoghnoos.org/khabar/khabar07/heykal-liban.html>

دیوار برلن های جدید را درهم فروریزیم! - جان پیلجر

<http://www.ghoghnoos.org/khabar/khabar06/pilger-gaza.html>

**\*\*\* حماس، طبعاً به لحاظ ایده نولوژیک، بنیادگراست. اما نه از نوع سلفی ها که مشکلیشان مبارزه با «کفر»، و استقرار «خلافت اسلامی» است. این سازمان، همانگونه که محمود درویش نیز در گفتگوش با لوموند (به ترجمه ی همین قلم، در صفحات «خبر و نظر» ققنوس) بر آن تأکید کرده بود، جریانی است ملی گرا با نگاه «مذهبی»، که مسأله اش فقط مقاومت در برابر اشغال سرزمین های فلسطینی است و بس.**

«بنیادگرایی اسلامی»، تنها با تن دادن به قواعد دموکراسی است که به طور طبیعی، از دور خارج می شود. نه با برهم زدن قواعد دموکراسی، و در نتیجه: امکان تجربه ی آزاد و تصحیح خود را از جوامع اسلامی سلب کردن، و راندن هرچه بیشتر بخش های وسیعی از مردم این جوامع به سوی برخورد های عکس العملی، از جمله بازگشت به گذشته.

دروغ بودن ادعای اسرائیل در مورد عدم آمادگی حماس برای مذاکره و قطع بی درنگ هر نوع عملیات نظامی، در مقالاتی از جان پیلجر، میشل وارشائوسکی، و یوری آونری که در بالا به آن اشاره شد، به روشنی توضیح داده شده است.